



خانواده

فراز و نشیب یک زندگی

راز قهر کوتاه مدت در زندگی آیتا...



در خانواده مطلوب و دارای جوی سالم و دوست‌داشتنی، نیازهای زوجین و فرزندان به طریق مطلوب برآورده می‌شود و فرزندان این

محمد مهدی
عبدا...زاده
نویسنده

نوع خانواده‌ها در سایه امنیت روانی حاکم بر خانواده، راه رشد و کمال را طی می‌کنند. خانواده‌ها در مسیر زندگی با مشکلات و بحران‌هایی روبه‌رو می‌شوند که اگر زوجین از مهارت کافی برای حل آنها برخوردار باشند، زندگی آنها روندی قابل قبول پیدا خواهد کرد. برای همین هم هر خانواده قصه‌ای دارد که آن را تجربه کرده. ما برای شنیدن همین تجربه‌ها تصمیم داریم سراغ خانواده‌های مختلف برویم تا بتوانیم با روش حل مسائل زندگی‌شان آشنا شویم. این هفته پای حرف‌های آیتا... غلامعلی نعیم‌آبادی و همسرشان نشستیم. با نظر آیتا...، ابتدا صحبت‌های اشرف باقرزاده، همسرشان را شنیدیم و بعد خودشان را.

ما هم از این موارد داشته‌ایم، البته در موارد محدودی که کارمان به قهر انجامیده از یکی دو روز بیشتر نشده، هرچند راز این قهر کوتاه، دادن هدیه است و ابراز محبت، ناگفته نماند اگر تلاش و فداکاری همسر من نبود مسلماً نمی‌توانستیم فرزندان صالح تربیت کنیم یا من در انجام تکالیف دچار مشکل می‌شدم. بنا به شرایط برای سخنرانی و تبلیغ به اکثر استان‌ها دعوت می‌شدم و در تمام موارد، ایشان همکاری لازم را داشتند مثلاً یک نمونه آن ۲۹ سال زندگی در بندرعباس است.

رابطه خانواده شما با بستگان تان چگونه است؟

تمام بستگان برای ما ارزش و احترام دارند و برای فرزندانم، خاله و عمه تفاوتی ندارد. ما با بستگان همسر و خودم رابطه گرم و صمیمی داریم. مقیدیم تا آنجا که امکان داشته باشد به دیدن آنها برویم و از آنها نیز برای حضور در منزل مان دعوت کنیم. معتقدم حتی به بستگان دورتر نیز حداقل در سال یکی دو بار تلفن بزنم و جویای احوالشان باشم. مخصوصاً یکی از برنامه‌های شب‌های قدر در هر ماه رمضان، تلفن به بستگانم است. برای مراوده بیشتر با بستگانم منزل موروثی‌ام را در روستا که حدود ۱۰۰ سال از ساختش می‌گذرد، تعمیر کردیم و هر سال چند شبانه‌روز به روستای مان می‌رویم.

هدیه دادن جزئی از برنامه‌های تان باشد

اگر خط فکری بستگان تان با شما متفاوت باشد، باز هم صلح‌رحم خواهید داشت؟

هیچ مجوزی برای قطع رحم وجود ندارد. برای مثال وقتی علم حاصل کردید که فلان فامیل اهل خمس و این نوع مسائل نیست و شما را دعوت به ناهار یا شام کرد، باید تشریف ببرید و غذای‌شان را نوش جان کنید و اگر برای تان مسلم شد که به این پذیرایی خمس تعلقی می‌گیرد، بدون آن که به وی چیزی بگویید، خمس آن را خودتان بپردازید. به هموطنانم سفارش می‌کنم دادن هدیه و پذیرفتن آن در حد متعارف از بستگان و فامیل‌ها را جزو برنامه‌های خانواده‌تان بدانید.

هم که انجام می‌شد از وضع زندگی به ایشان شکایت نمی‌کردم. خوشبختانه با پیروزی انقلاب اسلامی حاج آقا از زندان آزاد شد، وگرنه معلوم نبود تا کی باید در زندان باشد و سرنوشت ما چه می‌شد.

خانه باید محل امن اعضای خانواده باشد

پس عملاً به واسطه نبود حاج آقا مدیریت خانه با شما بوده؟ الان هم همین‌طور است؟

پیوسته تلاشم این بود که محیط خانه، محلی امن و راحت برای تمام اعضای خانواده و مخصوصاً برای حاج آقا باشد تا بتواند به خوبی وظایف اجتماعی‌اش را انجام دهد. حاج آقا از زمان پیروزی انقلاب تا سال گذشته وظایف مختلفی به عهده داشتند. ایشان ۱۰ سال امام جمعه دامغان بودند و بعد نماینده ولی فقیه در بندرعباس. مدتی هم امام جمعه این شهر بودند و دو نوبت نیز به عنوان عضو مجلس خبرگان رهبری انجام وظیفه می‌کرد. این حجم از مسئولیت باعث شده ایشان مدیریت خانه و خانواده را به من بسپارد، البته بنای ما بر مشورت و احترام بوده و سعی کرده‌ایم همین را هم به بچه‌ها منتقل کنیم.

با این وصف حاج آقا باید شخصیتی ویژه داشته باشد.

حاج آقا مهربان است و اهل سازش و مدارا، خوش فهم، اهل شوخی و مقید به احکام دینی. ایشان برای هر خطبه نماز جمعه یا منبر، ساعت‌ها مطالعه می‌کند. کمتر روزی است که چند ساعت با کتاب نباشد.

حاج آقا ممنونم که حوصله به خرج دادید و شنونده مصاحبه‌مان بودید. بد نیست با سوالاتی متفاوت شروع کنیم. آیا بین شما و همسران اختلاف نظر و قهر هم رخ داده است؟

زندگی دو فرد زیر یک سقف بدون اختلاف سلیقه و برخی موارد قهر، کمتر اتفاق افتاده است. حتی در زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) هم شاهد مواردی مثل گلابه و شکایت از سوی خانم‌های‌شان هستیم ولی مهم این است که دوطرف حرمت هم را مخصوصاً مقابل فرزندان‌شان حفظ کنند. اگر مدت قهرشان هم کوتاه باشد که چه بهتر. پس طبیعتاً

باتشکر و سپاس که پذیرای چاردیواری شدید، بفرمایید چند سال است که با حاج آقا زندگی می‌کنید؟

بنده و آیتا... نعیم‌آبادی، حدود ۵۰ سال است که با هم زیر یک سقف زندگی می‌کنیم. شش فرزند داریم که همگی دارای تحصیلات عالی هستند. یکی پزشک است و دو نفر هم دکترا دارند.

وقتی ازدواج کردید، میزان تحصیلات تان چقدر بود؟

شش کلاس درس خوانده بودم که آقای نعیم‌آبادی در قم به خواستگاری‌ام آمد. از ابتدا قصدم ادامه تحصیل بود. تشویق‌ها و همراهی همسر من نیز در ادامه راه، کارم را راحت‌تر کرد. از سال ۱۳۵۰ دروس حوزوی را شروع کردم و تاکنون نیز پیوسته در حال تدریس و تحصیل بودم. چند سال با مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد بندرعباس و حوزه علمیه آن تدریس کرده‌ام. این روزها هم خودم را برای ورود به دوره دکترا آماده می‌کنم.

شما زمانی ازدواج کرده‌اید که شرایط انقلابی در کشور حکمفرما بود؛ از آن زمان بگویید.

زندگی مشترک ما به جهت نوع حرفه و شخصیت علمی همسر، فراز و نشیب‌های بسیاری داشت. هنگامی که دو فرزند داشتیم و در قم ساکن بودیم، حاج آقا هر هفته دو شبانه‌روز برای تبلیغ به تهران می‌رفتند. به جهت فعالیت سیاسی تا پیروزی انقلاب، ایشان سه نوبت توسط ساواک دستگیر و به مدت سه سال در کمیته مشترک و زندان قصر زندانی شد. وقتی همسر من در زندان بود بر اثر خفقان شدید آن زمان، حتی برخی نزدیکان و بستگان هم از این که با ما آمد و شد داشته باشند، وحشت داشتند. آن زمان از سوی دفتر امام خمینی (ره) به ما مبلغی کمک می‌شد که با مدیریت اقتصادی توانستم زندگی‌مان را بچرخانم.

شکایتی نمی‌کردید؟ گله‌ای؟ شکوه‌ای؟

می‌دانستم همزمان با سختی ما، همسر من در زندان شکنجه می‌شود و شرایط سختی را تحمل می‌کند و برای همین حتی در ملاقات‌هایی